

سرگذشت عجیب شاهنامه!

پدیدآورنده (ها) : قائمی، فرزاد

میان رشته ای :: نشریه ندای قلم :: بهمن ۱۴۰۲- شماره ۴۷

صفحات : از ۸ تا ۱۰

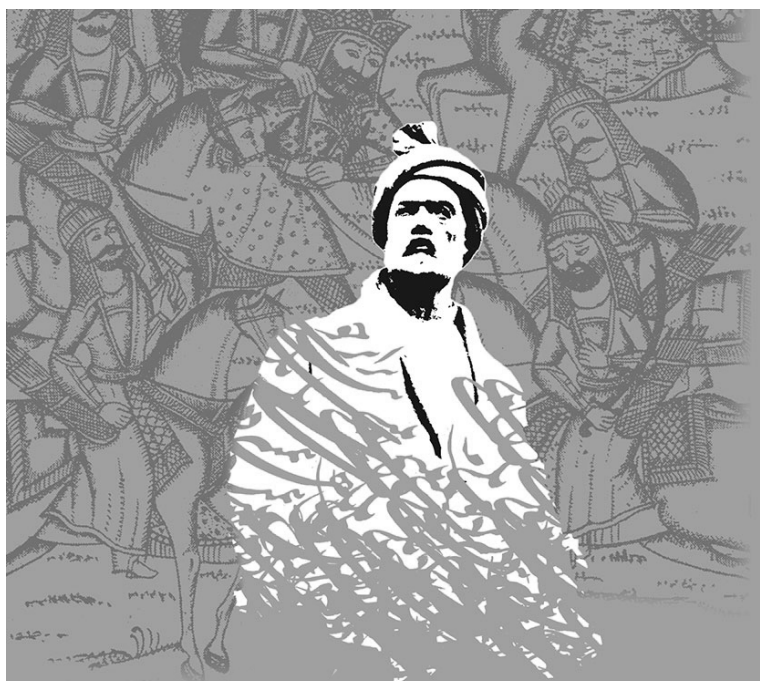
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2204007>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- سرگذشت برزو و الحاق آن به «شاهنامه»
- تأملی بر سرگذشت سوفرا در شاهنامه فردوسی و منابع دوره اسلامی
- نویافته‌هایی در باب ایران‌شناسی از دیار فرنگ (۱)؛ سرگذشت عجیب مجموعهٔ نسخ خطی دکتر حسین خان آزاد تبریزی، حکیم‌باشی ظل‌السلطان
- سرگذشت عجیب اوراشیما تارو
- نویافته‌هایی در باب ایران‌شناسی از دیار فرنگ (۲)؛ سرگذشت عجیب یک نمایشنامهٔ فرانسوی دربارهٔ عصر قاجار
- بررسی و تحلیل سرگذشت بهرام چوبین، در بستر تاریخ و شاهنامه براساس ناهم‌گونی رفتاری «خود و دیگری»، ازمنظر نشانه‌شناسی فرهنگی
- سرگذشت واژه گل
- گویی که شاهنامه تاریخ همه ملت هاست با نگاهی به ترجمه منظوم شریفی از شاهنامه
- پژوهشی در پادشاهی ایران از نوذر تا کیقباد بر اساس شاهنامه
- بگاهی به یک داستان: یک کار ساده و چند «اما» در شهر عجیب و غریب عروسک‌ها



سرگذشت عجیب شاهنامه!

فرزاد قائمی (استاد دانشگاه و شاهنامه پژوه)

نمودی که زبان فارسی در منابع عثمانی و گورکانی داشته حتی بیش از صفویان بوده و شاهنامه به عنوان متن محوری اثر فرهنگی فارسی بوده است؛ از دوره ایلخانی تا دوره معاصر شاهد افزایش توجه و رویکرد اقوام، حکومت‌ها و ملل متفاوت داخل حوزه تمدن اسلامی به شاهنامه بوده‌ایم به گونه‌ای که دربارهای مختلف جهان اسلام، از هند و آسیای میانه تا آسیای صغیر و شمال آفریقا، در استنساخ نسخه‌ای از شاهنامه، تقلید و الهام گرفتن از شاهنامه و حفظ، ثبت و ضبط آن باهم رقابت می‌کردند.

شاهنامه‌چی‌های دربار عثمانی

قائمی با تأکید بر اینکه شاهنامه یک متن فراملی بوده، بیان کرد: در تشکیلات عثمانی آن‌هم در زمانی که به شدت با

می‌کردند، یک متن هویتی بوده و کارکرد هویتی داشته است»، اظهار کرد: در طول هزار سال گذشته شاهد رشد، تکامل و کارایی زبان فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام بوده‌ایم، حتی در سده‌های نهم تا دوازدهم اهمیت این زبان از زبان عربی بیشتر شده و در قلمرو وسیع گورکانی، عثمانی و صفوی به عنوان زبان رسمی و اصلی بوده است. همچنین زبان فارسی، زبان مشترک بین اقوام متفاوت به ویژه ایرانی و اقوامی که با ایرانیان در تماس بودند، شناخته می‌شود. عملاً بیشترین مشوقان زبان فارسی، دربارهای ترک بودند.

رقابت حول محور شاهنامه

او با اشاره به اینکه زبان فارسی هیچ‌گاه محدود به فارس‌زبان‌ها نبوده، گفت: وقتی در منابع نگاه می‌کنیم، می‌بینیم

فرزاد قائمی شاهنامه را متنی فراملی می‌خواند و به کارکرد هویتی آن در میان ایرانیان و دیگر کشورها اشاره می‌کند. او معتقد است توده‌های مردم در سده‌های پیشین برخوردی با شاهنامه نداشتند اما به صورت شفاهی با آن زندگی می‌کردند و امروزه لازم است شاهنامه به زندگی مردمان امروزی برگردد. او همچنین اهدای شاهنامه به خانواده‌های تاجیک را امری تبلیغی می‌خواند که اثر فرهنگی ندارد.

این استاد دانشگاه و شاهنامه پژوه در پی خبر اهدای یک نسخه شاهنامه به خانواده‌های تاجیک در کشور تاجیکستان به دستور رئیس‌جمهور این کشور، درباره ریشه‌های فرهنگی توجه به شاهنامه در تاجیکستان و مقایسه آن در میان مردم ایران، با بیان این که «شاهنامه برای مردمانی که در مجموعه تمدن ایران بزرگ زندگی

صفویان در حال ستیز و رزم بودند، دیوانی به نام دیوان شاهنامه داشتند که در صدر آن یک شاعر فارسی‌زبان به‌عنوان شاهنامه‌چی ریاست دیوان را بر عهده داشت. رویکرد دیوان این بود که با الهام از شاهنامه و براساس بحر و سبک و زبان شاهنامه، تاریخ عثمانی را به نظم فارسی تبدیل درمی‌آوردند. اگر چه کارکرد اصلی شاهنامه، حفظ هویت ایرانیان در طول تاریخ بوده؛ اما عملاً شاهنامه برای بخش‌های متفاوت تمدن اسلامی، کارکرد یک متن هویتی را ایفا می‌کرده است؛ بازتاب‌هایی که از شاهنامه در متون مختلف می‌بینیم محدود به زبان فارسی نمی‌شود. امروزه بیشترین اقتباس‌ها و تقلیدها را، به‌ویژه متونی که متأثر از شاهنامه هستند، نه‌تنها در زبان فارسی بلکه در گونه‌های زبان ترکی و گونه‌های زبان کردی و حتی زبان‌های اردو و پشتو می‌بینیم. این موضوع نشان می‌دهد شاهنامه در طول هزار سال گذشته، علاوه بر کارکرد اصلی‌اش که برای زبان فارسی است، نقش ویژه‌ای در کلیت فرهنگ متنوع حوزه وسیع تمدنی از هند تا آسیای صغیر را ایفا کرده است.

غروب و طلوع شاهنامه در دوره مغول‌ها

این استاد دانشگاه با اشاره به این‌که به عقیده تاریخ‌پژوهان احیای تدریجی هویت ایرانی بر پایه رویکرد به شاهنامه از دوره ایلخانی شکل گرفته است، توضیح داد: در سده‌های پنجم و ششم، یعنی در دوران رشد حکومت‌های سلجوقی و خوارزمشاه، واژه ایران به‌تدریج در حال فراموشی بود و مورخی مانند بیهقی، حتی عمادانه از فردوسی یاد نکرده است. در دوران مغول زمانی که رویکرد حذف ایران و حذف شاهنامه با فروپاشی دستگاه خلافت به کنار نهاده شده، ایرانیان از این فرصت نهایت استفاده را کرده و شاهنامه را در بدنه اصلی تحولات فرهنگی جدید قرار می‌دهند تا جایی که مغول‌ها هم تحت‌تأثیر کاریزمای شاهنامه قرار می‌گیرند و اولین حماسه‌های تاریخی که درباره تاریخ عصر مغول نوشته می‌شود، به تقلید از شاهنامه نگاشته شده که خود نکته شگفتی است.

مردمانی که به شاهنامه دسترسی نداشتند اما با آن زندگی می‌کردند

او رشد تشیع در ایران را در سده‌های هشتم و نهم تحت‌تأثیر شاهنامه خواند و ادامه داد: تقلید و تکمیل شاهنامه و سرودن منظومه‌های حماسی متأثر از شاهنامه از ۵۰ سال پس از پایان شاهنامه، با اسدی طوسی آغاز شده و تا روزگار معاصر تداوم پیدا کرده است. در کنار سرایش حماسه‌های ملی، حماسه‌های تاریخی و حماسه دینی، نقش اصلی تداوم شاهنامه در میان بدنه جامعه بوده است؛ مردمانی که از سواد بی‌بهره بودند و طبیعتاً به متن شاهنامه دسترسی نداشتند، شاید حتی بیتی از شاهنامه را به‌صورت مستقیم نشنیده بودند؛ اما به شیوه شفاهی با شاهنامه زندگی می‌کردند. او ادامه داد: شاهنامه متنی بوده که طی سده‌های مختلف به دو صورت در میان مردم حضور داشته است؛ یکی در میان نخبگان و طبقه بالای جامعه به‌صورت متنی و شاهنامه‌خوانی بود و دیگری در میان توده مردم که از طریق نقل و نقالی و به‌صورت شفاهی حفظ شده است.

ممنوعیت شاهنامه‌خوانی در میان قشقایی‌ها

فرزاد قائمی با اشاره به این‌که سنت نقل‌قصه‌های شاهنامه در نقاط ایران در طی سده‌ها تداوم داشته، بیان کرد: نکته بسیار جالب‌توجه این است که شاهنامه به زبان اقوام مختلف تکلم می‌شده؛ در میان کردها شاهنامه به زبان کردی روایت می‌شده، در میان ترک‌ها به زبان ترکی. البته در دوره تبلیغ شوونیسم ملی در عصر پهلوی، سیاست‌ورزان حکومت پهلوی از درک اهمیت این موضوع قاصر بودند تا جایی که مقارن با برگزاری هزاره شاهنامه و تبلیغ و تشویق شاهنامه، شاهنامه‌خوانی در میان قبایل قشقایی ممنوع می‌شود؛ زیرا آن‌ها به زبان مادری خود، یعنی زبان ترکی و از روی ترجمه ترکی شاهنامه را می‌خواندند.

گسست از شاهنامه در دوره پهلوی

او ادامه داد: در کنار دادن ماهیت ارتباط مردم با شاهنامه در دوره پهلوی منجر به این شد که شاهنامه به یک متن تک‌بعدی تبدیل شود و شکاف و گسستی در میان بخش‌های مختلف جامعه رخ بدهد. این موضوع با قهر نسبت به شاهنامه در دوره‌های کوتاهی پس از انقلاب اسلامی

همراه بود؛ اما خوشبختانه به‌تدریج این فضا تلطیف شد و باز رویکرد بخش‌های متفاوت به شاهنامه در حال افزایش است.

حضور شاهنامه در زندگی روزمره مردم

این استاد زبان و ادبیات فارسی با اشاره به این‌که در دنیای گذشته شاهنامه به زبان روز مردم درآمده و برای بخش‌های مختلف جامعه قابل‌درک بوده است، خاطرنشان کرد: طبیعتاً در هیچ دوره‌ای، همه افراد جامعه توان خواندن متن شاهنامه و ارتباط مستقیم با یک متن ادبی کلاسیک را نداشتند؛ اما اینکه شاهنامه از چنین اهمیتی در فرهنگ اجتماعی ایرانیان و حتی غیرایرانیان برخوردار بوده به این نکته برمی‌گردد که شاهنامه به‌صورت «متنی» در میان مردم حضور نداشته؛ بلکه حضورش در آیین‌ها، جشن‌ها و اتفاقات متفاوتی که در زندگی روزمره مردم وجود داشته، نقل و قصه‌گویی قصه‌های شاهنامه، حضور شخصیت‌ها و داستان‌ها در امثال و حکم و ضرب‌المثل‌ها و زندگی روزمره مردم بوده، در واقع شاهد نموده‌ای از حیات اجتماعی شاهنامه در میان مردم بودیم؛ اما متأسفانه در عصر جدید، این اتفاق دچار گسست شده است.

محدود شدن شاهنامه به مطالعات تخصصی شاهنامه

او سپس گفت: در دنیای امروز تنها حوزه‌ای که نسبت به شاهنامه از فعالیت و تکاپو برخوردار است حوزه پژوهش است. متأسفانه شاهنامه به مطالعات تخصصی دانشگاهی محدود شده که تأثیری بر بدنه جامعه مخاطبان این متن ندارد. اتفاقی که باید بیفتد و نسبت به آن کوتاهی شده، این است که شاهنامه را به زبان زندگی مردم بیاوریم. طبیعتاً در دنیای قدیم با توجه به ویژگی‌های زندگی مردمان، شاهنامه به زندگی مردم آمده بود؛ اما این‌گونه‌ها طبیعتاً در دنیای امروز تداوم پیدا نخواهد کرد. اگر می‌خواهیم شاهنامه به زندگی مردم امروزی بازگردد باید شاهنامه به زبان‌های روز تبدیل شود، باید از شاهنامه بازآفرینی‌های سینمایی، تلویزیونی و بازتاب‌های رسانه‌ای داشته باشیم. شاهنامه را در محافل اجتماعی در قالب بازی و تفریحات سالم و در قالب

محصولات فرهنگی و هنری جدید بازسازی کنیم. طبیعتاً این اتفاق در چند دهه گذشته به نحو قابل توجهی انجام نشده و این نوعی گسست و فروپاشی را در رویکرد توده جامعه به شاهنامه ایجاد کرده است. قائمی با بیان این که مردمان ایرانی و غیرایرانی همدل با فرهنگ ایران تاریخی همچنان نسبت به پیوند به ریشه‌های عمیق شاهنامه احساس عطش دارند، گفت: این مردمان در طول سال‌های اخیر نیاز بیشتری به برقراری ارتباط با این متن حس می‌کردند، نیازی که بعضاً نسبت به تأمینش احساس ناتوانی کرده و کمبود برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به این قضیه دامن زده است. البته در ایران و برخی از کشورهای همسایه این دغدغه در میان مسئولین و سیاست‌گذاران فرهنگ ایجاد شده که بین بدنه جامعه و شاهنامه، انس و الفت دوچندان برقرار کنند که گاه موفق بوده‌اند و متأسفانه بیشتر ناموفق زیرا از ابزار و شیوه‌های بعضاً نادرست برای این اصلاحات فرهنگی استفاده می‌شود. یکی از اتفاقات اخیر که در این حوزه رخ داده اهدای شاهنامه به خانواده‌های تاجیکستان به فرمان ریاست این کشور بوده است. آنچه می‌دانیم این است که مردم تاجیک برای شاهنامه و فردوسی ارزش بسیار زیادی قائل‌اند، تا جایی که از حکیم طوس با عنوان حضرت فردوسی یاد می‌کنند.

مانعی برای بازگشت به متون ادبی گذشته

این شاهنامه‌پژوه در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به عطش جمهوری‌های جداشده از شوروی برای بازگشت به فرهنگ پساکمونیستی و توضیحی درباره سیاست یکدست کردن مردم با سرکوب مذهب و خرده‌فرهنگ‌ها در دوره شوروی، اظهار کرد: بخشی از این سرکوب‌ها فرهنگی و مذهبی بود و بخش دیگر زبان بود. سرکوب زبانی متمرکز بر غلبه زبان و ادبیات روسی بود؛ مردمان این سرزمین‌ها وقتی حتی فارسی و ترکی و ترکمنی صحبت می‌کردند، گویش خود را با خط سیریلیک می‌نوشتند که این موضوع خود مانع مهمی در راه بازگشت فرهنگی به شمار می‌آید. امروزه تاجیک‌ها همچنان دارند با زبان شیرین فارسی تاجیکی صحبت می‌کنند که یکی از اصیل‌ترین گونه‌های فارسی دری

است؛ اما به خط سیریلیک می‌نویسند و این خط بیگانه مانع بزرگی برای رجوع به متون ادبی گذشته به شمار می‌رود، تا جایی که بخش عمده‌ای از مردمان امروز تاجیکستان و مردمان تاجیک کشور ازبکستان از خواندن متون ادبی شعری گذشته و درک مفاهیم آن‌ها محروم هستند. اگرچه در تاجیکستان فردوسی و رودکی و عطار و خیام را بسیار دوست می‌دارند و در جای جای تاجیکستان یادمان‌ها و نمادهایی برای بزرگان ایجاد کرده‌اند، اما این علاقه و رویکرد بیشتر جنبه سطحی دارد، حتی در مقایسه با ایرانیان تاجیکان از حیث رابطه متنی فاصله بیشتری با این متون دارند.

تبلیغ بی‌اثر شاهنامه

فرزاد قائمی افزود: یکی از سیاست‌های دولت فعلی تاجیکستان این بوده که بین متون و بدنه جامعه رابطه بهتری ایجاد کند و با وجود تلاش‌های برخی از شخصیت‌های بزرگ فرهنگی این کشور که خواهان بازگشت الفبای کهن و حذف الفبای سیریلیک هستند، همچنان دولت تاجیکستان بر حفظ خط و الفبای روسی پافشاری دارد و با وجود این پافشاری اقداماتی از این دست انجام می‌شود که به‌ظاهر تلاشی برای احیای فرهنگ گذشته است. رئیس‌جمهور تاجیکستان سعی دارد از خود یک چهره کاریزماتیک و فرهنگی نشان دهد و تبلیغات بسیاری مرتبط با ادبیات و فرهنگ گذشته و به‌ویژه شاهنامه فردوسی داشته و بخش زیادی از این تأکید جنبه سیاسی و سطحی دارد و متأسفانه همچنان رویکردهای اصلی در ادامه سیاست‌های قبلی (دوران شوروی) است. نبود فضای باز سیاسی و وجود نوعی حکومت فردی در جمهوری‌ها طبیعتاً به نبود رشد فرهنگی این جوامع دامن زده است. اهدای شاهنامه به خط سیریلیک به خانواده‌های تاجیک با همین رویکرد اتفاق می‌افتد و تصور نمی‌کنم فارغ از جنبه‌های تبلیغاتی تأثیر چندانی در احیای فرهنگ کهن مردمان ایرانی و تاجیک در این قلمرو داشته باشد. ■

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

مقالات ارسالی باید دارای شرایط ذیل باشند تا مورد پذیرش اولیه هیات تحریریه مجله قرار گیرد.

۱- مقاله‌هایی که برای درج در هر یک از شماره‌های ماهنامه‌های «ندای قلم» فرستاده می‌شود، باید با اهداف و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی نشریه مرتبط باشد.

۲- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد.

۳- چنانچه مقاله‌ای خلاصه شده است؛ این موضوع باید قید شود.

۴- نام و نام خانوادگی؛ رتبه علمی؛ نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک و تلفن تماس نویسنده بر روی یک برگ جداگانه قید شده باشد.

۵- مقاله از ۷ صفحه (هر صفحه ۲۰۰ کلمه) تجاوز نکند (۲۰۰۰ کلمه تحت برنامه word)

۶- مقاله در یک نسخه تایپی به طور سطر ۱۲ سانتی‌متر و بر روی یک صفحه A۴ به دفتر مجله یا ایمیل آن ارسال شود. (نکات ویرایشی در تایپ مقالات رعایت شود).

۷- جدول‌ها و نمودارها در طول سطر ۱۲ سانتی‌متر تنظیم گردد.

۸- مقاله باید دارای بخش‌های ذیل باشد:

الف: چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه؛

ب: درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در داخل متن ضروری است. مثل: آدل من (Adel men).

ج: ارجاعات داخل متن طبق نمونه زیر باید تنظیم شود و شماره صفحه نیز حتماً باید ذکر گردد: (لستر، ۱۹۹۵: ص. ۱۵)

۹- مقاله ارسالی، نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد و نباید همزمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها فرستاده باشد.

۱۰- مقاله ارسالی در صورت تایید یا عدم تایید مسترد نمی‌گردد.

۱۱- فهرست منابع فارسی و لاتین به طور جداگانه در آخر مقاله برحسب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شکل زیر تنظیم می‌گردد. الف) برای کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ، تاریخ انتشار.

ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام نشریه، سال انتشار و شماره مجله.

ج) پی نوشتها: توضیحی در پایین صفحه آورده شود.

راهنمای تماس با نشریه:

نشانی: اذربایجان غربی، خوی، خیابان طالقانی، کوچه حسینلو (پشت امیر)، ساختمان یاقوت، طبقه همکف دفتر ماهنامه سراسری «ندای قلم»

تلفن: ۰۴۴۳۶۲۴۳۰۹۲

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۷۶۵۰۰۴۴۲۰

آدرس تلگرام: @nedayeghalammonthly

Email: nedayeqalam@gmail.com